

آمریکا در مسیر خودسری مطلق

امیرفیض- حقوقدان

خودسری به عملی گفته میشود که آن عمل خلاف قانون و شرع و اخلاق باشد. خودسر، کسی است که آنچه در سر خود دارد گرچه خلاف اخلاق و قانون و شرع باشد انجام میدهد و ابائی از اعتراف به انجام آن راهم ندارد.

همانطور که استحضار دارید آقای جان برنان از معاونین آقای باراک اوباما بنا بر دستوری که از آقای خود یافته بود درباره هواپیماهای بدون سرنشین و فعالیت آنها توضیحاتی داد و گفت:

۱- دولت آمریکا خود را مجاز حمله به کشورهای میاند که در آن کشورها افراد مظنون به شرکت در فعالیت های تروریستی اقامت دارند و هم ایشان اضافه کرد که این حملات آمریکا قانونی، اخلاقی، ضروری و مناسب است.

راجع به قانونی بودن حمله هواپیماهای بدون سرنشین و موشک پرانی های آنها در کشورها، بظن وجود تروریست، آقای جان برنان گفته است: <قانون مصوبه کنگره آمریکا پس از حملات ۱۱ سپتامبر به دولت آمریکا اجازه داده است برای کشتن افراد مظنون به شرکت در فعالیت های تروریستی در کشورها اقدام کند.

۲- آقای برنان اذعان کرده که در این عملیات غیر نظامیان نیز کشته شده اند.

طبق آمار منتشره تا تاریخ سی ام آوریل ۲۰۱۰ تعداد ۱۷۵۳ نفر از اهالی غیر نظامی ساکن شمال پاکستان بوسیله هواپیماهای بدون سرنشین آمریکا کشته شده اند و از جمله در همان روزی که آقای برنان راجع به قانونی بودن حملات هواپیماهای مزبور در مرکز بین المللی پژوهشگران ویلسون سخن میگفت <روز دوشنبه با حمله این نوع هواپیماهای آمریکایی به یک دبیرستان دخترانه متروکه باعث کشته شدن چهار دختر و زخمی شدن چند نفر دیگر شده اند.>

همین روزها خبرنگاری - بی - سی از پاکستان گزارش کرده که عده ای از کودکان پاکستانی در تظاهراتی در پلاکاردها نوشته شده بود (ای آمریکایی ها ما چه ها رانکشید)

۳- مهمترین اشاره در اظهارات آقای برنان این است که گفته:

<عملیات هواپیماهای بدون سرنشین با همکاری کشوری که در آن عملیات صورت میگیرد و در چهار جوب قانون صورت پذیر میشود.>

۴- او گفت بر اساس قوانین بین المللی آمریکا در واکنش به حملات ۱۱ سپتامبر در حال نبرد مسلحانه با القاعده و طالبان و گروههای مرتبط با آنهاست.

۵- او گفت در قوانین بین المللی چیزی نیست که مانع استفاده از هواپیماهای کنترل از راه دور برای این منظور و یا مانع استفاده ما از قوه مرگبار علیه دشمنان در خارج از میدان نبرد باشیم.

خودسری در مسیر مطلق

چند سال قبل یک قاضی دادگاه قزوین ضمن اعتراض به اینکه چرا متهم را تبرئه کرده است گفت <در قضا، مظنون نداریم آن شخص مظنون بوده نه متهم و مجرم.>

اظهارات آن قاضی دادگاه کیفری قزوین، گرچه تفهیم اصل برانست در حقوق انسانی و کیفری است ولی از آنجا که شکی نسبت به اینکه ظن نمیتواند قائمه محاکمه و مجازات افراد گردد و بالطبع مظنون هم جای متهم را نخواهد گرفت اظهارات قاضی مزبور ضرب المثل (شیره را خورد و گفت شیرین است) را تداعی میکرد ولی اظهارات اخیر آقای معاون باراک اوباما درباره حقانیت قتل مظنونین به ترور بوسیله هواپیماهای بدون سرنشین، نشان داد که دستگاه قضائی آمریکا خاصه ریاست جمهوری آمریکا نیازمند آموزش های قضائی قاضی دادگاه کیفری قزوین است و یا اینکه روح خودسری،

بی قانونی و زورگویی چنان ارکان دولت آمریکا رادرخود پیچیده است که حتی قادر به درک اصل برانت و احترام به آن نیستند و جای اتهام رابه مظنون و جای محاکمه و محکومیت رابه قتل بوسیله هواپیمای بدون سرنشین و یواسا نل دیگر خودسرانه داده اند.

دلایل خودسرانه بودن عمل آمریکا:

- ۱- در سال ۲۰۱۰ که انورالعولقی یکی از فرماندهان الاقاعده در یمن بوسیله هواپیماهای بدون سرنشین آمریکائی کشته شد آقای ونیس وارن مدیرکل مرکز حقوق اساسی ایالات متحده با صدور بیانیه ای اعلام کرد <ترور انورالعولقی با هواپیمای بدون سرنشین آمریکائی یکی دیگر از رسته حملاتی است که برخلاف قوانین آمریکا و مقررات بین المللی انجام شده است> (بی - بی - سی و اشنگتن - سی ام سپتامبر ۲۰۱۱)
- ۲- اتحادیه آزادیهای مدنی آمریکا در آوریل ۲۰۱۰ با ارسال نامه ای به آقای اوپاما در فهرست اعمالی که نا بخردانه و غیرقانونی اجرا شده درباره ترور انورالعولقی نوشته است:

«اگر ایالات متحده این اختیار را برای خود قائل شود که علیه دشمنانش در سراسر جهان به قوه قهریه متوسل شود و از هواپیماهای بدون سرنشین یا ابزارهای دیگر استفاده کند کشورهای دیگر نیز این عمل را قابل توجیه خواهند دانست» (همان ماخذ)

- ۳- منابع حقوقی غیرقانونی و خودسرانه بودن عمل آمریکا در ترور مظنونین به همکاری با القاعده عبارت است از:
 - الف- اصل برانت افراد که در بند ۱ ماده ۱۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر مصرح است.
 - ب- میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی که در ماده ۱۴ بند دوم اصل برانت را بر رسمیت شناخته است.
 - ج- بند دوم ماده ۲۲ و بند سوم ماده ۱۴ و ماده ۶۷ اساسنامه دیوان کیفری بین المللی است.
 - د- بند یکم ماده بیستم اعلامیه کنفرانس جهانی حقوق بشر وین است که اصل برانت را لازم الرعایه دانسته است
 - ه- قانون اساسی ایالات متحده در اصلاحیه پنجم ۱۷۹۱ صریح است به اینکه:

«هیچ شخصی به سبب ارتکاب جرم سنگین و یا جرم نامعینی مسنول شناخته نمیشود مگر اینکه بر اساس کیفرخواست یا اعلام هیئت عالی منصفه رسیدگی و منجر به حکم شده باشد و در هر دعوائی که هیئت منصفه وجود داشته باشد آن دعوا قطعی و تمام شده است»

و- بنا بر اصل <judicial review> قضات دادگاه هامیتوانند هرگونه مقرراتی را که معارض با قانون اساسی و روح آن باشد بی اثر اعلام کنند.

ز- آقای اکونیا و وزیر دادگستری ونزولا بر اساس قطعنامه ۱۹۸۴/۵۴ گفت:

<طبق قوانین بین المللی هیچ دولتی نمیتواند ادا کند که مجاز به عدم رعایت حقوق بنیادی مانند حق زندگی و..... و حق برخورداری از یک محاکمه منصفانه بر اساس حقوق برسمیت شناخته در اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق های بین المللی است و همچنین نمیتواند مدعی شود که چنین اعمالی مبتنی و بر اساس قوانین داخلی و یا مذهبی است>

اصل برانت در حقوق کیفری

تحریر حاضر لازم میسازد که اشاره مختصری به سابقه اصل مزبور داشته باشد.

اصل برانت انسان ها از اتهام در زمان های قدیم موقعیت نامشخصی داشته است در کشورهای اروپائی تا قبل از انقلاب ۱۷۸۹ مورد توجه و رعایت قضات نبود و همچنین در آمریکا در سال ۱۷۸۹ برای اولین مرتبه اصل برانت در اعلامیه

حقوق بشر ایالات متحده آمریکای شمالی و سپس در اعلامیه جهانی حقوق بشر فرانسه پیاده شد، و متعاقب آن تفاسیر و حقوقی نسبت به افراد و متهمین، مورد عمل و قبول جوامع و قضات و دادگاه ها قرار گرفت.

اصل برانت، آنچنان در حقوق کیفری آمریکا محترم و قابل رعایه است که حتی بنام <حق خلوت> هم در جریان تحقیقات و بازپرسی ها برای متهم بوجود آورده و آن این است که <اقدامات پلیس و ماموران تحقیق که منافی با حق خلوت افراد باشد در دادگاه بی اعتبار است>

اصل برانت جایگاهی بسیار مستحکم و احترام پذیر در حقوق انسان های یافته است بطوریکه اگر در موردی شک و تردید حاصل شود که متهم مرتکب جرم شده یا نشده شک ب نفع متهم تعبیر میشود و متهم تبرئه میگردد.

معبورود به اتهام

کرامت و آزادی انسانها که با اصل برانت پیوند ناگسستنی دارد عبور از معبر اصل برانت و ورود به اتهام رادشوار و با حصول شرائطی اجازه داده است و این اجازه راهم به کسانی که در مقام قضا قرار دارند تفویض کرده است، اهم آن شرائط بقرار زیر است:

الف- عملی که شخصی متهم به ارتکاب آن میباشد باید بوسیله قانون جرم شناخته شده و تعریف قانونی هم داشته باشد.

ب- مرتکب انسان و دارای هویت مشخص و معلوم باشد زیرا متهم ساختن احتیاج به هویت دارد و هویت هم از آن انسان است بنابراین، متهم کردن اهالی یکی قریه و یا شهر و روستا قانونا درست نیست.

پ- متهم باید قابلیت و اهلیت کیفری داشته باشد یعنی متهم رشید و عاقل باشد نمیشود خردسالان را متهم به ارتکاب عمل و مجرم شناخت.

تطبیق بفرمانید با عمل هواپیماهای بدون سرنشین که بدون در نظر گرفتن شرائط بالا یک دهکده و یا شهری را به ظن اینکه تروریستها در میان آنها هستند همه را کشتار میکند و غالباً در میان آنها کودکان و کسانی هستند که اساساً قابلیت ارتکاب جرم را ندارند.

عملی که آمریکا بوسیله هواپیماهای بدون سرنشین خود مرتکب میشود البته که بی سابقه نیست. سابقه آن میرسد به حملات چنگیز مغول که وقتی با مقاومت عده ای و یایک فرمانده رو برو میشد حکم قتل عام تمامی اهالی آن شهر و یا قصبه را میداد.

عرض شد که عبور از گردنه برانت و ورود به دره اتهام و بعد هم مجازات، فقط با قضا است نه افراد قوه اجراییه و نظامیان و امثال آنها.

مراتبی که قانون به قضا اجازه داده است که با رعایت کامل و منصفانه ورود شخص را از حالت برانت به اتهام ممکن سازد بسیار حساس و بنام آئین دادرسی قضائی مدون شده است، از جمله تحقیقات از متهم - با حضور وکیل متهم - استفاده متهم از زبانی که به آن آشناست - تفهیم اتهام - حق مطالعه پرونده - هیئت منصفه و امثال آنهاست، تا با طی آنها اگر قاضی تشخیص داد که متهم مستوجب مجازات است حکم محکومیت متهم را بدهد.

این تشریفات معمول که متداول در همه دادگاههای کشورهای آزاد جهان است، کجا ظن و گمان نیروهای انتظامی آمریکا به متهم بودن افراد نامعینی به اتهام تروریستی و کشتار آنها کجا؟ این دقت و حساسیت حقوق بشر نسبت به جان و کرامت انسانی کجا و عمل کشتار عده ای از اهالی به ظن اینکه ممکن است بین آنها یک تروریست باشد کجا؟

حساسیت قانون به اینکه متهم باید وکیل داشته باشد، باید به او تفهیم اتهام بشود، هیئت منصفه نظر بدهد، تحقیقات از متهم باید آزاد و بدون از آزار و شکنجه باشد کجا و کشتار انسان های بی گناه به اعتبار ظن و گمان آنها بدون فرصت دفاع و وکیل کجا؟

نتیجه گیری یکم

با وجود چنین ضوابط حقوقی محکم و اصیلی که در حقوق اساسی و قضائی آمریکا وجود دارد چگونه دولت آن کشور بخود حق میدهد که نظام عدالت را بر ظن و گمان که امری نسبی و غیرمدون است قرار دهد و به این جنایت مسلم و خلاف قانون رنگ مبارزه با تروریسم را بدهد تفاوت این عمل با عمل یک تروریستی که عده ای را به ظن اینکه مخالف اسلام هستند میکشد چیست؟ در فاجعه ۱۱ سپتامبر تروریستها بدون هدف مشخص انسانی، نزدیک سه هزار نفر را در برج دوقلو کشتند خوب آمریکاییها هم با هواپیماهای بدون سرنشین هزاران نفر را مشخص رادریا پاکستان و افغانستان بعنوان تروریست میکشند و افتخار هم میکنند که این کار هم قانونی و هم لازم و هم اخلاقی و مناسب است و متقابلا هم تروریستهای اسلامی هم ادعا دارند که عملشان اسلامی است، همانطور که عمل تروریستها غیرقانونی و غیراخلاقی است عمل هواپیماهای بدون سرنشین آمریکائی هم در کشتار مردمی که مورد اتهام و محاکمه قرار گرفته اند غیرقانونی و خودسرانه و خلاف انسانیت است شرم آور است که جای دادگاه راهوپیماهای بدون سرنشین بگیرد که متاسفانه گرفته است.

پاکستان و کشتارهای هواپیماهای بدون سرنشین

منتقدان و معترضین به اقدامات آمریکائی ها در کشتار مردم بیگناه پاکستان بوسیله هواپیماهای بدون سرنشین گفته اند <پاکستان یک کشور دارای حاکمیت است و آمریکا نمیتواند به استناد یک قانون داخلی قواعد آمره بین المللی را مبتنی بر حق حاکمیت دولت هار انقض کند>

و مردم آن کشور هم تظاهراتی علیه اقدام آمریکا انجام داده اند.

در بخش ابتدائی این تحریر، قسمت سوم اظهارات آقای برنان قابل توجه معرفی شد. یکبار دیگران قسمت از اظهارات ایشان را میآوریم تا تطبیق موضوع و مورد بحث آسان گردد. او گفت:

<عملیات هواپیماهای بدون سرنشین با همکاری کشوری که در آن عملیات صورت میگیرد و در چهارچوب قانون صورت میپذیرد>

یعنی یک توافق محرمانه بین دولت آمریکا و پاکستان وجود دارد و بمناسبت آن توافق است که آمریکا حق حاکمیت دولت پاکستان را نادیده میگیرد. آیا این واقعیت تلخ برای مردم پاکستان روشن است؟ آیا مقصود آقای برنان از <عملیات در چهارچوب قانون صورت میپذیرد> تطبیق دادن این جنایات با اختیارات قانونی رئیس جمهور پاکستان نیست؟

نتیجه گیری دوم:

بدبخت ملت و کشوری که حاکمانش دست نشانده بیگانه باشد.